

برجام ریسی برجام روحانی

عباس عبدي

همچنان برجام و سرنوشت آن مهم‌ترین موضوع کشور بوده و انتظارات مردم برای به‌سرانجام رسیدن آن زنده است و امیدواریم که چنین شود. در عین حال صدای مخالف با برجام نیز کم نشده و وجود دارد و در عمل هم سنگ‌اندازی می‌کنند. صدایی که بعضاً تاسف‌بار نیز هست. اینک همسایه‌های ایران روزانه و ماهانه ده‌ها میلیارد دلار درآمد دارند و بخشی از آن به واسطه بیرون بودن ایران از بازار انرژی است، ولی عده‌ای از مخالفان برجام، پرداخت مشروط 6/1 میلیارد دلار طلب ایران از حکومت عراق را به عنوان یک پیروزی بدون وجود برجام یاد می‌کنند!

واقعا کار کشور به کجا رسیده است، برخی از نیروها که داعیه‌هایی در سطح مدیریت جهانی دارند، وصولی مشروط طلب 6/1 میلیارد دلاری ایران از حکومت عراق که نزدیک‌ترین حکومت در جهان به ایران است را موفقیت و پیروزی بدانند. بگذریم.

در یکی از مطالبی که اخیراً در منابع نزدیک به مخالفان برجام منتشر شده، آمده است که: «برجام ریسی هم هرگز چیزی بیشتر از آنچه که برجام روحانی داشت با خود ندارد.» این را در مقام رد کوشش‌ها برای به ثمر رسیدن برجام نوشته است. واقعیت این است که اگر برجام ریسی بتواند به دستاوردهای برجام روحانی برسد، موفقیت بزرگی خواهد بود. البته این موفقیت کافی نخواهد بود، به همان دلیلی که آن برجام به چنان سرنوشتی دچار شد. به عبارت دیگر آن زمان یک جای کار ایراد داشت که در ادامه باید آن را حل کرد. مشکلی که در زمان برجام روحانی هم مطرح بود ولی مسکوت گذاشتند تا بلکه بعداً حل شود و نشد.

برجام ریسی هر چه باشد بیش از برجام روحانی نیست، ولی به شرط حل یک مشکل می‌تواند پایدار شود و فراتر از آن برجام برود. اصرار به حل برجام بدون رعایت این شرط کار بیهوده‌ای است. برجام احتمالی ریسی به دو دلیل، بدون تحقق شرطی که خواهم گفت حتی به پای برجام روحانی نخواهد رسید. دلیل اول عدم استقبال اقتصادی شرکت‌های گوناگون جهان برای مراوده اقتصادی با ایران است. تجربه خروج ترامپ پیش روی آنان است و این تجربه موجب احساس بی‌ثباتی این

شرکت‌ها و عدم علاقه آنها برای ورود به ایران و انعقاد قراردادهای اقتصادی بلندمدت می‌شود. در نتیجه همین که بی‌ثباتی برجام يك بار تجربه و عملي شده است، در برداشت منفي ديگران نسبت به کارايي آن اثرگذار است.

دليل دوم نيز آسان‌گيري تحريم‌ها از سوي دولت بايدن است که در عمل اگر برجام به نتيجه هم برسد، به اندازه برجام سال ۱۳۹۴، تغيير زيادي در منافع اقتصادي کنوني ايجاد نخواهد کرد. البته فراموش نکنيم که اگر برجام به کلي منتفي شود، اين تحريم‌ها جدي خواهند شد و آسان‌گيري موجود کنار گذاشته مي‌شود و هزينه سنگيني را بر اقتصاد کشور تحميل خواهد کرد.

بنابراين برجام رييسي، معادل برجام روحاني نيست، ولي با يك شرط مي‌تواند بهتر هم باشد. اين همان شرطي است که در زمان روحاني مسکوت گذاشته و موجب بي‌ثباتي برجام و خروج امريکا از آن شد. در حقيقت مساله ما با ديگران محدود به موضوع هسته‌اي نبود و نيست، بلکه مسائل منطقه‌اي محور اختلافات است. اتفاقا مساله هسته‌اي به علت همان اختلافات برجسته شده بود و اگر برجام به مسائل منطقه‌اي تعميم نيابد و راهي براي تفاهم‌هاي کلي در امور منطقه باز نشود، برجام همچنان ناپايدار و درنهايت غيرمفيد خواهد بود. مشکلي که در رابطه با وضعيت سپاه در برجام پيش آمده ناشي از همين مساله و اختلافات منطقه‌اي است. تحقق اين شرط به معنای تسليم شدن نيست، همچنان که برجام نيز مترادف با تسليم شدن نبود که اگر بود، طرف مقابل زير آن نميزد. توصيه به گفت‌وگوي فراگير در امور منطقه‌اي به معنای کوشش براي رسيدن به راه‌حلهائي است که منافع طرفه‌اي ذي‌نفع، متناسب با قدرت آنان تامين شود. اکنون زمان گرفتن تصميمات جدي است. ترديد نبايد کرد که بدون برجام وضع بدتر و بدتر خواهد شد. برجام هم اگر در چارچوب گذشته حل شود، ناپايدار و منافع آن موقتي است، تنها راه‌حل؛ ورود به يك گفت‌وگوي سازنده به قصد رسيدن به تفاهم نسبي در امور و مسائل منطقه‌اي است. راه ديگري وجود ندارد.